

پروین؛ آشنایی که غریب ماند

تقویم یادآور خوبی برای مناسبت‌های فراموش شده است، 25 اسفند تولد پروین اعتصامی بهانه‌ای کوچک برای گفتن از بانوی شعر ایران است.



خانه در تبریز و مقبره در قم

پروین؛ آشنایی که غریب ماند/ سکوت تامل برانگیز تبریز در بزرگداشت پروین

خبرگزاری فارس: تقویم یادآور خوبی برای مناسبت‌های فراموش شده است، 25 اسفند تولد پروین اعتصامی بهانه‌ای کوچک برای گفتن از بانو، شعرا، ادب است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، می‌گویند بدترین نوع غربت، غربی در موطن آدمی است. این شاید بهترین تعبیر برای گفتن از «#پروین اعتصامی» است. شاعرهای که خوب می‌دانیم هیچ‌گاه آنچنان که باید از او یاد نشده و همواره نامش در محجوریت باقی مانده است هرگاه اسمی از تبریز و داشته‌هایش می‌شود، مگر ممکن است یادی از شهریار نکنیم و نگوییم اینجا دیار شهریار است؟ ولی صادقانه که نگاه کنیم حتی در ادبیات کلامی و درون‌شهری خود هم گاه یادمان می‌رود که اینجا دیار پروین هم هست! از شاعران، فرهیخته‌ها و استادان دانشگاه گرفته تا همین مردم کوچه و بازار اگر از تک تک این مردم بخواهید تا بزرگ‌ترین شاعر زن 10 قرن ادبیات ایران را نام ببرند، بی‌شک شمار آنهایی که از طاهره قرةالعین، زینب النساء، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد اسم می‌برند، به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسد. اما قطعاً نظر قالب «#پروین اعتصامی» خواهد بود اما پرسش اینجا است که چرا همین مردم که هیچ‌کدام به جایگاه بلند پروین شک ندارند، شاعر همشهری خود را خوب نمی‌شناسند. شعرش را خیلی کم می‌خوانند و هوایش را ندارند؟ در سالگرد وفات پروین اعتصامی هیچ برنامه‌ای در شهر تبریز برگزار نشد «#پروین اعتصامی» مشهور به پروین اعتصامی در 25 اسفند 1285 در تبریز به دنیا آمد. تنها دختر خانواده بود و چهار برادر داشت. پدرش یوسف اعتصامی مردی فاضل و ادیب بود؛ شش ساله بود که به همراه خانواده‌اش از تبریز به تهران مهاجرت کرد. 18 ساله بود که به دو زبان عربی و انگلیسی تسلط داشت؛ مدتی در مدرسه آمریکایی‌ها زبان و ادبیات انگلیسی تدریس کرد؛ در سال 1313 با رئیس شهربانی کرمانشاه ازدواج کرد و به ناچار همراه شوهر خود راهی کرمانشاه شد. این سفر، آغازی بود بر زندگی پر درد پروین بود. خوی نظامی همسر با روح شاعرانه پروین نمی‌خواند و این برای شاعری چون پروین که تا چشم گشوده بود، بهار و دهخدا و مشروطه‌جیان مبارز را مهمان خانه پدری دیده بود، سخت بود که شاهد شب‌نشینی‌ها و میگساری‌های دوستان همسرش باشد. اینطور شد که بعد از یک سال، مهر خود را بخشید و از همسرش جدا شد اما اندوه شکست را با وقار و آرامش به جان خرید و هیچ‌گاه حرفی از آن نگفت. به این ترتیب شاعر تبریزی، شعر و ادبیات را دوباره از سر گرفت. پروین از سال 1315 به مدت دو سال مدیریت کتابخانه دانشسرای عالی را بر عهده داشت. در همین سال دیوان خود را با مقدمه مرحوم ملک الشعرا بهار منتشر کرد. یک سال بعد در سال 1316 در سوگ پدر ادیبش داغدار شد. کوچ پدر تلخ‌ترین حادثه زندگی پروین بود، مدتی بعد پروین در بستر بیماری افتاد، طبیبان بیماری وی را "حصه" تشخیص دادند. جسم و جان شاعر تبریزی هر روز نحیف‌تر از دیروز می‌شد و دیگر امیدی نبود. پروین در 15 فروردین 1320 در سن 35 سالگی در تهران درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد. دیوان پروین، شامل 248 قطعه شعر است که از آن میان 65 قطعه به صورت منظره است. اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب قطعات ادبی است که مضامین اجتماعی را با دیده انتقادی به تصویر کشیده است. در میان اشعار پروین، تعداد زیادی شعر به صورت منظره میان اشیاء، حیوانات و گیاهان وجود دارد. درون‌مایه اشعار وی بیشتر غنیمت داشتن وقت و فرصت‌ها، نصیحت‌های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان، ضعیفان و ناپایداری دنیا است. در شعر پروین استفاده‌هایی از سبک شعرای بزرگ پیشین نیز شده است. اشعار وی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، دسته اول که به سبک خراسانی گفته شده و شامل اندرز و نصیحت است و بیشتر به اشعار ناصر خسرو شبیه است. دسته دوم اشعاری که به سبک عراقی گفته شده و بیشتر جنبه داستانی به ویژه از نوع منظره دارد و به سبک شعر سعدی نزدیک است. این دسته از اشعار پروین شهرت بیشتری دارند. بر اساس این گزارش آنچه خواندید تقریباً تمام آن چیزی بود که امروز از زندگی پروین در دست است. دکتر حمید صادقی مدرس دانشگاه در پاسخ به اینکه چرا شاعر بزرگی همچون پروین این چنین غریب و بی‌صدا مانده، می‌گوید: شاید عمده دلیل آن به سبک و نوع شعر پروین مربوط می‌شود، مثلاً اگر امروز عده زیادی با شعر فروغ ارتباط برقرار می‌کنند و بیشتر از وی یاد می‌شود، این نزدیکی و ارتباط به نوع شعر فروغ برمی‌گردد. وی ادامه می‌دهد: از آنجا که مثنوی به لحاظ قافیه محدودیت سایر قالب‌ها را ندارد، شعر موضوعات طولانی است و در داستان‌سرایی از آن استفاده می‌شود. پروین اعتصامی نیز بر اساس نوع ادب تعلیمی خود پس از قالب قطعه به مثنوی توجه زیادی دارد. مثنوی‌های پروین شامل 49 حکایت است و تقریباً یک چهارم کل اشعار وی را شامل می‌شود. به گفته این مدرس دانشگاه، موضوع اغلب حکایت‌های ارائه شده در قالب مثنوی در دیوان پروین اخلاقی و تعلیمی است، روش پروین به عنوان آخرین حلقه حکایت‌پردازی روش حکایت‌پردازی بزرگان شعر کلاسیک فارسی است به علاوه اینکه برخی مفاهیم اجتماعی زمان شاعر نیز در این حکایت‌ها نمود و تجلی پیدا کرده است. کوچ زود هنگام از تبریز و زیستن در پایتخت و به دور از سرزمین پدری از دیگر مواردی است که صادقانه در دلیل غربت و کم‌رنگی پروین از آن یاد می‌کند. در این میان کمال ادهمی، استاد ادبیات به تاثیر روحیه زنانه در شعر پروین اشاره کرده و معتقد است، قدرت توصیف پروین در حکایات مثنوی‌ها ممتاز و هنری است. وی اضافه می‌کند: اگر بر اساس عناصر سبک‌شناسی پروین را با توجه به خصایص زبانی پیرو سبک خراسانی بدانیم، ویژگی توصیف دقیق و قوی را از ویژگی‌های اصلی این سبک باید دانست که در دیوان پروین نیز نمود خاصی دارد، انتخاب واژگان و

تصویرهایی که شاعر در بیان مقصود خود ارائه می‌دهد برخاسته از روحیه زنانه پروین است. این استاد ادبیات ادامه می‌دهد: حجم کار پروین نشان از فعالیت مدام شاعر دارد، چرا که اگر عمر شاعری وی را 17 سال حساب کنیم در این 17 سال 209 قطعه، مثنوی و قصیده سروده است که به طور متوسط هر سال میان 11 تا 13 شعر نتیجه کار وی است. وی خاطرنشان می‌کند: نباید فراموش کنیم که پروین اعتصامی یکی از شاعران بزرگ معاصر شعر فارسی است که شخصیت هنری وی دارای ابعاد مختلفی است، پروین علاوه بر اینکه جایگاه خاصی در تجدد محتوایی شعر فارسی دارد، در تدوین تاریخ ادبیات شعر فارسی نیز نقش مهمی داشته که باید به آن توجه شود. با وجود تمام اینها که گفته شد باید قبول کنیم که هوای شاعر همشهری خود را نداشته و نداریم چرا جز وقتی که بخواهیم از خیابانی که آن بالا بالاها‌ی شهر، واقع شده اسم ببریم، از پروین یاد نمی‌کنیم؟ چرا زمانی که چند 10 کیلومتر آن طرف‌تر «صائب تبریزی» را «صائب اصفهانی» می‌نامند رگ غیرت همه ما بیدار می‌شود ولی از کنار روح زنانه پروین به سادگی عبور می‌کنیم. خانه پروین اعتصامی در تبریز عکس‌های از مقبره پروین اعتصامی در حرم حضرت فاطمه معصومه (س) در قم در مقبره خانوادگی شعر روی قبر پروین اعتصامی اینک خاک سیاهش بالین استاخر چرخ ادب پروین استگر چه جز تلخی ز ایام ندیده‌ر چه خواهی سخنش شیرین استصاحب آنهمه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است دوستستان به که ز وی یاد کنند دل بی دوست دلی غمگین استخاک در دیده بسی جان فرساست سنگ بر سینه بسی سنگین استبند این بستر و عبرت گیرده‌ر که را چشم حقیقت بین استهر که باشی و ز هر جا برسیاخرین منزل هستی این استادی هر چه توانگر باشد چون بدین نقطه رسید مسکین استاندر آنجا که قضا حمله کند چاره تسلیم و ادب تمکین استزادن و کشتن و پنهان کردندهر را رسم و ره دیرین استخرم آنکس که در این محنت گاهخاطری را سبب تسکین است.....نگارنده: سحر فکرداد